



تاریخ سینمای آذربایجان

ناظم صادق اوف

علی اصغر شهیدی

مؤسسه انتشارات تلاش

آگاهی و آشنایی از چگونگی روند سینمای ممالک دیگر جهان، به ویژه کشورهای مجاور خودمان، می‌تواند علاوه بر آشنایی و شناخت موقعیت سینمایی ایران در برابر کشورهای دیگر، ما را در ادامه‌ی مسیری متعالی‌تر و روبه رشد یاری دهد. سینمای کشورهای مجاور همیشه به دلیل یدک کشیدن عوامل مشترک اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نژادی و اقلیمی بیش از دیگر نقاط جهان می‌توانند بر روند سینمای یکدیگر تأثیرگذار بوده و اعتلای هنر فیلمسازی مشرق زمین را به دنبال داشته باشند. مترجم کتاب نخستین آشنایی‌اش را با سینمای آن سوی ارس مربوط به سال‌های پس از نیمه دوم دهه‌ی ۴۰ می‌داند، دورانی که فیلم‌هایی چون آرشین مال آلان، احمدآباددیر، مشهدی عباد، کوراوغلو سینمای متفاوتی را به لحاظ صداقت، رک‌گویی و به لحاظ طنز تلخ و گزنده ارائه می‌دادند. پی‌جویی مترجم به سینمای آذربایجان او را با کتاب حاضر که به زبان ترکی آذربایجانی نوشته شده، آشنا ساخت و موجبی شد برای ترجمه و آگاهی خوانندگان با این سینمای مهجور.

نویسنده متذکر این نکته می‌شود که در وهله‌ی اول باید قدرت خلاقیت سینماگران را بشناسیم تا به اهمیت و ارزش آن پی ببریم، چرا که هر فیلمسازی بی‌تردید مرحله‌ی خاصی از مراحل مختلف حیات ملت خود را به تصویر کشیده و آن را جاودانه می‌سازد. در اثر حاضر نویسنده به زندگی، آثار، مکتب و زبان تصویر دوازده تن از بزرگان سینمای جمهوری آذربایجان همچون عباس میرزا شریف‌زاده، جعفر جبارلی، صمد مردان اوف، حسن سید بیگلو و دیگران پرداخته است و سپس به بحث فیلموگرافی سینمای آذربایجان و فیلموگرافی فیلمسازانی که نامشان بدون شرح حال در کتاب آمده، اشاره می‌کند.

وی در مورد عباس میرزا شریف‌زاده می‌نویسد:

او همواره به هنگام فیلمبرداری از بازیگرانش می‌خواست که خویشتن خویش را فراموش و آزادانه به ایفای نقش محوله بپردازند. او دریافته بود که در سینما، مونتاژ از عوامل مهمی است که کارگردان با استفاده مناسب از آن می‌تواند بر تأثیرات فیلم خود بیفزاید، بنابراین به فراگیری جدی قواعد آن به طور کامل می‌پردازد.

از شریف‌زاده در مقام بازیگر و کارگردان تئاتر می‌توان به آثاری چون اوقتای، دمیرچی کاوه، قاچاق‌لار، داغیان تیفاق، ابلیس و... و در مقام بازیگر سینما به آثاری چون خازبولات و بایقوش و در مقام کارگردان سینما به حاجی‌قارا اشاره کرد.

شریف‌زاده معتقد بود سینما موسیقی است، سینما تئاتر است، سینما ادبیات و عالم است، لاکن همه‌ی اینها به صورت جدا از هم بیگانه نمانده و با هم یکی شده و به فیلم سرازیر می‌شوند و هر کدام از عناصر ارگانیک آن به حساب می‌آیند.

جعفر جبارلی نیز علاوه بر تلاش در حوزه درام‌نویسی و تئاتر، در دوران تولد سینما و موفقیت‌های اولیه‌ی آن نقش مهمی ایفا می‌کند و یکی از پایه‌گذاران فن سناریونویسی در سینمای آذربایجان به شمار می‌رود.

وی همچنین در مقام سناریست فیلم با خلق آثاری با ایده، ژانر، فرم، مضمون و اسلوب عالی و تربیت کادرهای ممتاز و هنرمند در سینما موجب رشد روزافزون هنر هفتم در آذربایجان شد و با ارائه‌ی نظرات انتقادی‌اش، راه را هموارتر کرد. به همین دلیل است که اکنون آذربایجان فیلم نام جعفر جبارلی را به دنبال خود یدک می‌کشد.

از وی نمایشنامه‌ی سویل، اودگلینی، و در سناریو نیز می‌توان به حاجی قارا، الماس، اولولر، محبت اویونو، عصمت و... اشاره کرد. ترجمه کتاب حاضر می‌تواند در شناخت ما نسبت به این سینما، نقش شایانی داشته باشد.